

گزارشی از نشست کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر در اسلام (کوآلایامپور، مالزی، ۲۵-۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵)

علی موسوی

مقدمه

ظرف دو سال گذشته، موضوع حقوق بشر در چارچوب سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای به نحو چشمگیری مطرح نظر بسیاری از سیاستمداران، حقوق‌دانان، دیپلمات‌ها و پژوهشگران قرار گرفته است که برخی مصادیق آن را می‌توان در گزارش هیئت عالی‌رتبه منصوب دبیرکل، تحت عنوان «جهانی امن تر: مسئولیت مشترک ما» (Amore Secure World: Our shared Responsibility" A/59/565, 2 December 2004)، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد تحت عنوان «در آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق» (In larger Freedom: Towards development, Security and Human Rights", A/59/2005, 21 March 2005)، سند نهایی اجلاس سران ۲۰۰۵ (2005 World Summit Outcome, A/Res/60/1, 24 October 2005)، و تشکیل شورای حقوق بشر به عنوان رکن فرعی مجمع عمومی ملل متحد یاد کرد.

در همین راستا می‌توان به تلاش‌های «سازمان حقوقی مشورتی آسیا و آفریقا» (آلکو) (Asian African Legal Consultation Organization (AALCO))، به عنوان یک نهاد منطقه‌ای فعال در حوزه حقوق بین‌الملل اشاره نمود. بنا به پیشنهاد دولت عربستان سعودی در اجلاس چهل و یکم سازمان مزبور (۲۰۰۲، ابوجا، نیجریه)، موضوع «حقوق بشر در اسلام» در دستور کار آلکو گنجانده شد و در اجلاس بعدی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در چهل و چهارمین اجلاس سازمان یادشده (۲۰۰۵، نایروبی کنیا) موضوع مزبور، از سوی هیئت‌های شرکت‌کننده از کشورهای پاکستان، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر و نیجریه مورد توجه قرار گرفت و متعاقب آن، هیئت مالزی آمادگی خود را برای میزبانی برگزاری یک نشست کارشناسی پیرامون حقوق بشر در اسلام با حضور نمایندگان کشورهای عضو آلکو و کارشناسان بین‌المللی اعلام کرد.

اهداف نشست یاد شده به شرح ذیل اعلام گردید:

حقوق بشر، سال ۱، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، ۱۰۰-۸۵.

- ۱- تبیین اصول اساسی حقوق بشر، آن گونه که در اسلام طرح گردیده است؛
- ۲- بررسی مجدد چگونگی استنتاج اصول حقوق بشر؛
- ۳- بررسی چگونگی تدوین اصول حقوق بشر به صورت قوانین داخلی کشورها؛
- ۴- تحقیق در زمینه اجرا و اعمال اصول حقوق بشر در پرتو تعالیم اسلامی؛
- ۵- ارائه پیشنهادها پیرامون اجرای حقوق بشر به منظور افزایش همکاری‌های بین‌المللی؛
- ۶- نشان دادن سعه صدر (تساهل) بیشتر و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با عنایت به محوریت حقوق بشر.

متعاقب برگزاری اجلاس چهل و پنجم آکو در دهلی نو، دادستانی کل مالزی، رسماً از کشورهای عضو آکو برای شرکت فعال در این نشست دعوت نمود. بر این اساس هیئتی از جمهوری اسلامی ایران مرکب از آقایان دکتر علیرضا دیهیم، رئیس اداره حقوقی وزارت امور خارجه و دکتر حسین مهرپور، استاد دانشگاه شهید بهشتی (در ظرفیت شخصی و به عنوان میهمان دولت مالزی) و نگارنده در این نشست که در تاریخ ۲۵ لغایت ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ در کوالالامپور برگزار گردید، شرکت نمودند. نشست یادشده با سازماندهی دادستان کل مالزی و با همکاری آکو و دولت عربستان سعودی و حمایت وزارت «زنان، خانواده و توسعه اجتماعی» مالزی برگزار گردید.

مراسم افتتاحیه «نشست کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر در اسلام» (Meeting of International Experts on Human Rights in Islam)، در اولین روز اجلاس (۸۵/۲/۲۵) با حضور مقامات مالزی، سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی مقیم کوالالامپور، کارشناسان و شرکت‌کنندگان در نشست، برگزار گردید. در ابتدا آقای عبدالغنی پاتیل (Mr. Tan Sri AbdulGani Pateuil) دادستان کل مالزی، سخنرانی خود را ارائه نمود. وی ضمن تشکر از مقامات مالزیایی و عربستان سعودی، اعلام نمود که از مجموعه لیست ۶۷ نفری کارشناسان دعوت‌شده، تعداد ۴۳ نفر در این گردهمایی شرکت نموده‌اند و این افراد از بخش‌های مختلف قضایی، دانشگاهی و حقوقی در این نشست حضور دارند.

دادستان مالزی به عنوان رئیس نشست تأکید نمود از این نشست نبایستی به عنوان محفلی برای حمله «علیه» آنهایی که به تصور ما ضد جامعه مسلمانان هستند، استفاده شود. این نشست صرفاً در راستای یک هدف و آن هم داشتن گفت و گوی آزاد در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی تدوین اصول حقوق بشر در اسلام برگزار شده است. به اعتقاد دادستان مالزی، چالش فراروی جامعه اسلامی در

ارتباط با حقوق بشر در اسلام باید با استدلال‌های اصولی علمی مبتنی بر اصول حقوق اسلامی برطرف گردد.

سپس آقای دکتر وفیق کمیل دبیرکل سازمان حقوقی مشورتی آسیا و آفریقا (آلکو) سخنرانی خود را ارائه نمود. وی گفت: موضوع حقوق بشر در شرایط کنونی از اهمیت برخوردار است؛ چرا که می‌توان تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای را مشاهده نمود که در پی نارسا جلوه دادن اسلام و تعالیم آن می‌باشند. این هدف با بهانه «مبارزه با تروریسم» پیگیری می‌شود. از این رو، شرایط کنونی مهم‌ترین زمانی است که باید از اسلام به عنوان مدافع صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز یاد کرد. هیچ‌آیه‌ای از قرآن مجید، کشتار جمعی هیچ گروهی را تجویز نمی‌کند، خشونت را به عنوان یک سبب مجاز نمی‌دهد، کشتار کور بی‌گناهان از جمله زنان و کودکان را مجاز نمی‌شمارد و افرادی را که با هدف کشتن بی‌گناهان دیگر، اقدام به خودکشی می‌کنند، شهید نمی‌داند. اسلام تساهل (سعه صدر) و عدم اکراه و اجبار را می‌آموزد.

دبیرکل آلکو افزود: در حال حاضر سوء برداشتی در زمینه مشارکت قابل توجه غرب در زمینه توسعه حقوق بین‌الملل به طور اعم و حقوق بشر به طور اخص وجود دارد. برای رفع چنین سوء برداشتی، مناسب است که برخی جنبه‌های مرتبط با مشارکت اسلام در زمینه توسعه حقوق ملت‌ها، به ویژه پیرامون حقوق بشر، حقوق جنگ، حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق معاهدات مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه حقوق جنگ، اسلام قاطعانه هر گونه کشتار بی‌رحمانه، کشتار غیرنظامیان و کشتار اسیران را ممنوع می‌کند. وارد ساختن خسارت به انسان‌ها همچنین به حیوانات، قطع درختان، تجاوز به عنف، زنا با زنان اسیر، کشتن نمایندگان، قتل عام در سرزمین شکست‌خورده و استفاده از سلاح‌های سمی را ممنوع اعلام می‌نماید.

در خصوص حقوق معاهدات، اسلام قطع نظر از مشکل معاهده، وفای به عهد را به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر نظام حقوقی خود تجویز می‌نماید. مسلمانان متعهد به رعایت عقود و تعهداتشان تا انقضای دوره آن می‌باشند و نمی‌توانند سوگند خود را نقض نمایند. وفای به عهد و معاهدات، اصل اساسی اسلام بوده و هست.

همچنین اسلام بطور قابل توجهی در توسعه حقوق تجارت و رشد اصول حقوق بازرگانی بین‌دولت‌ها و افراد نقش داشته است. در همین راستا می‌توان به توجه اسلام در زمینه حقوق

حمایت دیپلماتیک از جمله رفتار صحیح با نمایندگان بیگانگان، و همچنین حقوق پناهندگان و حقوق بین‌الملل خصوصی اشاره نمود. براساس مطالب فوق‌الذکر و با عنایت به عضویت بسیاری از کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد، ضروری است دیدگاه‌های اسلامی در محتوای حقوق بین‌الملل معاصر مدنظر قرار گیرد.

پس از آن آقای **عبدالله صالح الحادثی** معاون وزیر دادگستری عربستان، به نیابت از وزیر دادگستری عربستان، در سخنرانی کوتاه خود تأکید کرد که حقوق بشر، برگرفته از مقررات یا نظام حقوقی نیست؛ حقوق بشر یک منشور یا یک سند بین‌المللی صادرشده از سوی یک سازمان منطقه‌ای، محلی یا بین‌المللی نیست، بلکه حقوق بشر بخشی از دین و ایدئولوژی است که ترک، یا تعلل در آن اجازه داده نشده است. مشکل، فقدان درک این موضوع از سوی نظریه پردازان [غربی] در حقوق بشر می باشد که این حقیقت را مدنظر قرار نمی دهند.

سخنران بعدی، آقای **محمد نذری عبدالعزیز** [معاون نخست وزیر مالزی] با اشاره‌ای کوتاه به ابعاد تاریخی توجه جامعه بشری به مقوله حقوق بشر به ویژه در کشورهای اروپایی و نهایتاً تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) گفت: در روزگار کنونی جنبش حقوق بشر به طرز روزافزونی در حال رشد و گسترش است و این فرآیند در کشورهای اسلامی نیز به نحو چشمگیری در حال توسعه می‌باشد. اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول، در خصوص تبیین چگونگی رابطه «ایمان» (اعتقاد) و «حقوق بشر منبعث از فلسفه غربی» دچار چالش شده است. استنباط و استخراج دیدگاه‌ها و نقطه نظرات اسلام درباره حقوق مختلف بشر اعم از سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی نسل سوم حقوق بشر از جمله حق توسعه، مستلزم «اجتهاد» می باشد. اسلام از چهارده قرن پیش تاکنون مفهوم حقوق بشر را ناظر بر روح و جسم انسان ارائه نموده است. با توجه به طبیعت دو گانه (جسم و روح) و نیازهای مادی و معنوی انسان، اسلام مفهوم کامل و جامعی از حقوق بشر طرح کرده است. جامعیت فلسفه حقوق بشر در اسلام نه تنها در نظام اعتقادی، بلکه در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز انعکاس یافته است. مفهوم حقوق بشر در اسلام ریشه در نظام اعتقادی اسلام دارد که براساس اصول توحید، خلیفه الهی انسان و عدل استوار است. بر این اساس، حقوق بشر در اسلام کلیه نیازهای انسان را هم به عنوان یک فرد وهم به عنوان عضوی از جامعه مدنظر قرار می دهد.

آقای نذری عبدالعزیز افزود: چالش فراروی کارشناسان و شرکت کنندگان در این نشست

این است که بتوانند به شیوه سازنده‌ای موضوعات متعارض بین حقوق اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی را شناسایی و اهمیت تفسیرهای مدون از نظام حقوقی اسلام در راستای تنظیم مجموعه حقوق افراد بشر را مطمح نظر خود قرار دهند. در همین راستا، کارشناسان حاضر در این نشست می‌توانند مباحث مشخصی از تفسیرهای کمیته حقوق بشر مانند تفسیر «جنسیت» (Sex) را بررسی نمایند.

جلسه عمومی اول: بررسی کلی مفهوم حقوق بشر: حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل

در جلسه عمومی اول که توسط آقای دکتر کمیل وفیق، دبیرکل آکو ریاست می‌شد، سه سخنرانی ارائه گردید:

سخنران اول، آقای پی. ان باگواتی (P.N. Bhagwati, Former Chief Justice, India)، رئیس سابق دیوان عالی هند بود که مقاله خود را تحت عنوان «تاریخ حقوق بشر» ارائه نمود. وی با اشاره به اینکه مفهوم حقوق بشر، مفهوم جدیدی نیست و می‌توان آن را از تعالیم ادیان عمده جهان یعنی هندوئیسم، بودیسم، مسیحیت و اسلام استخراج نمود، به بررسی تاریخ حقوق بشر در چارچوب ملل متحد پرداخت. وی تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی ملل متحد در دهم دسامبر ۱۹۴۸ را ترجمان نگرانی‌ها و امیدهای کلیه کشورهای عضو ملل متحد دانسته و آن را به عنوان مجموعه معیارها و اصول کلی در زمینه حقوق بشر اعلام نمود. این اعلامیه عمدتاً در برگیرنده حقوق سیاسی و مدنی است و کمتر به دیگر حقوق بشر توجه کرده است. علت این امر نیز در این مسئله نهفته است که کشورهای غربی بر این باور بودند که جنگ جهانی دوم معلول عدم رعایت حقوق مدنی و سیاسی بوده است. رژیم فاشیستی نازی این گروه از حقوق بشر را سرکوب نمود و این سرکوبی منجر به وقوع جنگ گردید. از طرف دیگر در زمان تصویب اعلامیه، بسیاری از کشورهای جهان سوم مستقل نشده بودند، لذا امکان مشارکت آنها در فرآیند تدوین اعلامیه جهانی فراهم نبود.

با افزایش تعداد کشورهای در حال توسعه، روند توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق سیاسی و مدنی بیشتر شد. این فرآیند با اعلام ارتباط و وابستگی متقابل بین دو گروه حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اعلامیه تهران، شکل گرفت. عنایت به این نکته حائز اهمیت است که برخی حاکمان کشورهای در حال توسعه، تحقق حقوق

سیاسی و مدنی بدون دست‌یابی به توسعه اقتصادی را امری تشریفاتی و لوکس می‌پنداشتند. به عبارت دیگر، این گروه از حقوق بشر فدای توسعه اقتصادی می‌شد. این در حالی است که هیچ دولتی قادر به دست‌یابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی با سرکوب آزادی و حقوق مدنی و سیاسی نیست.

همچنین در کشورهای جهان سوم یک خطر دیگر، مفهوم حقوق بشر را تهدید می‌نماید. این مسئله به این موضوع ارتباط می‌یابد که در حال حاضر مردم کشورهای جهان سوم با بسیاری از تهدیدات نسبت به امنیت و وضعیت اقتصادی خود مواجه هستند که بعضاً منجر به درگیری و بی‌ثباتی جامعه می‌گردد. در چنین مواقعی حقوق بشر فدای مصلحت جامعه می‌شود. با وجود این، تحقق حقوق بشر در کشورهای جهان سوم با عنایت به توسعه و پیشرفت اقتصادی جامعه امکان‌پذیر است؛ زیرا شرایط این کشورها با وضعیت کشورهای غربی کاملاً متفاوت است. وی در بخش دیگری از مقاله خود به بررسی حقوق بشر در اسلام پرداخت.

سخنران دوم، آقای دکتر **علیرضا دیهیم**، رئیس اداره حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بود که مقاله خود را با عنوان «تحلیل تطبیقی اسناد حقوق بشری در اسلام و اسناد حقوق بشری در حقوق بین‌الملل» ارائه نمود. وی در مقدمه مقاله خود با اشاره به وجود دو «رژیم حقوق بین‌الملل بشری» و «رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و ارائه تعریف مختصری از هر یک، به معرفی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی به عنوان اسناد تبیین‌کننده حقوق اساسی بشر پرداخت.

در بخش دیگری از مقاله به بررسی حقوق دادرسی کیفری بین‌المللی پرداخته شد. در این بخش با اشاره به اهداف حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق دادرسی کیفری بین‌المللی (اعم از تحقق عدالت کیفری بین‌المللی، جلوگیری و تحدید جرایم جنگی، نسل‌کشی، تجاوز و جنایات علیه بشریت، فراهم نمودن شرایطی برای تحقق حقوق قربانیان و محو فرهنگ بی‌کیفری) به بررسی ابعاد حقوق بشری حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق دادرسی کیفری بین‌المللی پرداخته شد. در این راستا ترکیب و مدیریت دادگاه‌ها، حق برخورداری از وکیل، صلاحیت و قابلیت پذیرش، اختیارات دادگاه‌ها، حقوق متهم، اصل انصاف و تساوی سلاح‌ها، حق استیناف مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در بخش بعدی به برخی از قوانین کلیدی در موضوعات مدنی و کیفری از جمله لزوم تقویت قوانین ضد تبعیض، که تضمین‌کننده افراد آسیب‌پذیر مانند معلولین می‌باشد، لزوم بازنگری یا

اصلاح قوانین مربوط به حق مالکیت زنان، اشتغال و دسترسی آنها به فرصت‌های اقتصادی و توجه به حقوق زندانیان اشاره شد. در ادامه برخی موضوعات مورد اختلاف بین شریعت اسلام و هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر مانند روابط جنسی رضایتمند بین مرد و زن، روابط همجنس‌بازان و ... مورد توجه قرار گرفت.

دکتر دهبیم در ادامه سخنرانی خود به بررسی دیدگاه‌های مطروحه از سوی اندیشمندان مسلمان و غربی پیرامون حقوق کیفری بین‌المللی پرداخته، اظهار داشت: به باور بسیاری از غربیان، حقوق اسلامی به ویژه حقوق کیفری آن، مجموعه قواعدی غیرانسانی بوده که حقوق بشر را نقض می‌نماید و برخلاف کرامت افراد است. در همین راستا، کشورهای غربی در تدوین سند نهایی دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر، با هرگونه اشاره به اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر مخالفت کردند. استدلال آنها این بود که اولاً، در این سند، امت اسلامی به عنوان بهترین جامعه در نظر گرفته شده و نوعی برتری نژادی اعمال شده است. ثانیاً، همه حقوق و آزادی‌های مصرح در سند تنها براساس یک منبع (شریعت آگاهی) تدوین شده است.

سخنران سوم، آقای حاجی سلیمان عبدالله وکیل، مشاور حقوقی از مالزی بود که مقاله خود را تحت عنوان «دیدگاه مالزی درباره حقوق بشر» ارائه نمود. وی در ابتدا دو اصل اساسی را که هر دولتی باید به آنها توجه نماید، طرح نمود: ۱- ما باید در زندگی‌مان و در هر چیزی به آفریدگاران وفادار بوده و نباید کاری را برخلاف دستوراتش انجام دهیم. ۲- انسان، به عنوان خلیفه الله بر روی زمین است. لذا باید کرامت همه انسان‌ها محترم شمرده شود. سپس اعلام نمود که مالزی در دست‌یابی به این اصول موفق بوده است؛ زیرا اسلام و قوانین اسلامی در کل سرزمین مالزی، قبل و بعد از استعمار، به عنوان محور اصلی فعالیت‌های مردم و دولت مالزی بوده و در همین راستا، مالزی در بین کل کشورهای اسلامی، در زمینه رعایت حقوق بشر به خوبی درخشیده است.

پس از پایان جلسه عمومی اول، چهار گروه کاری (۱) حقوق بشر تصریح شده در اسلام، (۲) حق آموزش، (۳) فلسفه حقوق جهانی اسلام، (۴) اسناد بین‌المللی حقوق بشر در اسلام به منظور پیگیری و ادامه مباحث جلسه عمومی اول برگزار گردید.

جلسه عمومی دوم: اسلام و حقوق بشر: مدیریت تنوع

در دومین جلسه عمومی نشست، سه سخنران، به ایراد سخنرانی پرداختند. سخنران اول آقای

مسعود بادرین، از دانشکده حقوق دانشگاه غرب انگلیس، بود که مقاله خود را با عنوان «اسلام و حقوق بشر و مدیریت تنوع: از دیدگاه منطقه‌ای آفریقا» ارائه نمود. وی با اشاره به اهمیت «موضوع حقوق بشر و اسلام در زندگی کنونی بشر» به بررسی رابطه این دو مفهوم و چگونگی تحقق حقوق بشر در حقوق اسلامی پرداخته است. به باور آقای بادرین، اسلام می‌تواند عاملی برای تحقق حقوق بشر در جوامع اسلامی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، هنجارهای حقوقی، اخلاقی و مذهبی اسلام، حمایت‌کننده تضمین حقوق بشر و مدیریت مؤثر تنوع در روابط انسانی می‌باشد. سپس وی با طرح دو شیوه سازماندهی اجتماعی یعنی «سازماندهی با اهداف مشترک» (Organization by common aims) و «سازماندهی بصورت متقابل» (Organization by reciprocity)، در پی تبیین رابطه دو مفهوم حقوق بشر و اسلام پرداخت. به زعم وی، حقوق بشر و اسلام می‌تواند به عنوان دو شکل مثبت از نظم و سامان اجتماعی در جوامع اسلامی در راستای تقویت همدیگر عمل کنند. با عنایت به رهیافت «سازماندهی با اهداف مشترک» می‌توان گفت که حمایت از انسان و ارتقای رفاه، هدف مشترک شریعت اسلامی و حقوق بین‌المللی بشر است. حقوق‌دانان اسلامی در این نکته اتفاق نظر دارند که هدف غایی شریعت (مقاصد الشریعه) ارتقای رفاه انسانی می‌باشد. همچنین هدف نهایی حقوق بین‌الملل بشر نیز همین مسئله یعنی افزایش و ارتقای رفاه انسان در پرتوی صلح جهانی است. همین اشتراک هدف بین اسلام و حقوق بشر می‌تواند به عنوان رابط مهم بین این دو مفهوم تلقی شود. اما در تشریح این هدف مشترک یعنی ارتقای رفاه انسان، از نظر تئوریک به تفاوت-هایی نائل می‌شویم؛ زیرا نظام حقوق بین‌الملل بشر یک دیدگاه لیبرال و انسان‌محور را می‌پذیرد؛ در حالی که اسلام یک دیدگاه مذهبی و خدامحور را مدنظر قرار می‌دهد. به اعتقاد آقای بادرین، این اختلاف تئوریک، عامل مهمی برای ناسازگاری نیست.

همچنین با عنایت به رهیافت «سازماندهی به صورت متقابل» می‌توان اذعان داشت آنچه را که نظام حقوق بین‌الملل بشر از جوامع اسلامی می‌خواهد، تحقق کامل تمامی حقوق بشر می‌باشد و متقابلاً خواست جوامع اسلامی نیز این است که تعهدات حقوق بین‌الملل بشری خود را همراه و مرتبط (پیوسته) با مقررات اسلامی عملی نمایند. به عبارت دیگر، بسیاری از دولت‌های اسلامی در پی ایجاد یک تعادل میان تعهدات بین‌المللی (حقوق بشری) و مقررات اسلامی هستند و از نظام بین‌الملل می‌خواهند که نسبت به این موضوع درک صحیح داشته باشد.

سخنران دوم، آقای دکتر مساکوری عبدالله، معاون پژوهشی دانشگاه اسلامی اندونزی

بود که مقاله خود را با عنوان «اسلام و حقوق بشر: مدیریت تنوع در اندونزی» ارائه نمود. وی با اشاره به جایگاه موضوع حقوق بشر در روزگار کنونی به ویژه در سیستم ملل متحد، اعلام کرد که اگر چه در برخی از موارد بین اسلام و حقوق بشر جهانی سازگاری وجود ندارد، اما در بسیاری از موارد، نقص حقوق بشر در اثر نبود ارادهٔ سیاسی در برخی از کشورها به وجود می‌آید. وی سپس به بررسی گفتمان‌های موجود در خصوص اسلام و حقوق بشر پرداخت: به طور کلی در تعالیم مذهبی عمدتاً بر تکالیف انسان تأکید می‌شود و حقوق انسان در صورت اجرای تکالیف و مسئولیت‌ها محقق می‌گردد. این در حالی است که در دین اسلام، بر حقوق انسان نیز توجه شده است و بر همین اساس در تدوین اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلامی در ۱۹۹۰، بر این نکته تأکید شده است. از آنجا که تنوع، سنتی الهی است و در قرآن به رسمیت شناخته شده است، دولت‌ها و جوامع اسلامی باید به تنوع احترام گذاشته با سعه صدر از آن حمایت نمایند. تنوع شامل تعدد ادیان نیز می‌گردد. کلیه پیروان ادیان الهی در جوامع اسلامی از حقوق خود برخوردارند و اسلام برای آنها احترام قائل شده است.

در عصر مدرن که مهم‌ترین شاخصهٔ آن، عقلانیت است، ما باید اجتهادی براساس عقل و مطابق شرایط زمان کنونی را مدنظر داشته باشیم. مسئله این است که تا چه اندازه تغییر در قانون و مفاهیم حقوقی می‌تواند پاسخ‌گوی چالش‌های موجود باشد. برای پاسخ‌گویی به این مسئله سه دیدگاه وجود دارد: محافظه کار، لیبرال و معتدل. من طرفدار دیدگاه میانه (معتدل) هستم، زیرا در این دیدگاه، از اجتهاد حمایت می‌شود؛ اجتهادی که مجوز تفسیر در حقوق، تا آنجا که در متن شریعت تصریح نشده باشد، را می‌دهد. به عبارت دیگر، در نص صریح نمی‌توان اجتهاد نمود. همچنین در این رهیافت از روش‌شناسی اجتهاد که توسط علما تعیین شده حمایت می‌شود. با وجود این، در این رهیافت، امکان تفسیر متون مطلق و صریح به منظور هدف کاربردی در راستای رفع معضل (عدم الحرج) یا کاهش تکلیف انسان (تقلیل التکلیف) یا با هدف اجرای تدریجی احکام اسلامی (تدریج فی الشریعه) وجود دارد. همچنین بایستی اسباب النزول (علل تاریخی نزول آیات) و اسباب الورد احادیث (زمینه تاریخی احادیث) را نیز مدنظر قرار دهیم.

سومین سخنران جلسه عمومی دوم آقای نیک احمد کمال از دانشگاه بین‌المللی اسلامی کوالالامپور بود که مقاله خود را با عنوان «حقوق بشر و اسلام: مدیریت تنوع در مالزی» ارائه کرد. وی ابتدا جامعه متکثر مالزی را تشریح نمود که در آن قومیت‌های مالایی، چینی و هندی، و پیروان

ادیان اسلام (۶۰/۴٪)، بودایی (۱۹/۷٪)، مسیحی (۹/۱٪) و هندو (۶/۳٪) وجود دارد. طبق اصل سوم قانون اساسی مالزی، اسلام دین رسمی مالزی است، اما ادیان دیگر می‌توانند در صلح و سازگاری فعالیت نمایند. همچنین طبق اصل یازدهم قانون اساسی مالزی، هر کس حق دارد که دین خود را اعلام نماید و امور دینی را انجام دهد و فعالیت تبلیغی برای دین خود داشته باشد. وی در ادامه گفت: مدیریت تنوع فرهنگی و قومی در مالزی با در نظر گرفتن ثبات سیاسی، قدرت اقتصادی، تساهل، مصالحه، احترام و تفاهم، اعتدال و رد تندروی‌های دینی صورت می‌پذیرد. البته این فرآیند با چالش‌هایی از قبیل رشد انتقاد نسبت به ارزش‌های اسلامی و تقویت جریان‌های غربی، که با حقوق بشر اسلامی ناسازگار هستند، مواجه شده است.

پس از اتمام جلسه عمومی دوم، گروه‌های کاری (۱) اسلام و سعه صدر، (۲) مسئولیت رسانه‌های گروهی، (۳) حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای سکولار، (۴) تکثر و چندفرهنگی به منظور تداوم و ارائه راهکارها و توصیه‌های کاربردی برگزار گردید.

جلسه عمومی سوم: حقوق مدنی و سیاسی (آزادی‌های اساسی): دیدگاه اسلامی، دیدگاه حقوق بین‌الملل و نقاط اشتراک

در جلسه عمومی سوم، سه مقاله ارائه گردید. اولین سخنران آقای عمر فاروق شیخ احمد، از دانشگاه هیروشیما ژاپن بود که مقاله خود را با عنوان: «اسلام، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: در میانه آرمان‌ها و واقعیت‌ها» ارائه کرد. آقای شیخ احمد در مقدمه مقاله خود با اشاره به نگاه اسلام به حقوق بشر و دیدگاه غرب نسبت به آن، این نکته را اعلام نمود که تعارضات موجود میان اسلام و غرب در خصوص حقوق بشر واقعیتی است که باید مورد بررسی و کنکاش علمی قرار گیرد.

وی پس از تشریح وضعیت جهان امروز در ارتباط با حقوق بشر، به بررسی دیدگاه اسلامی درباره حقوق بشر پرداخت: انسان به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، دارای حقوق و تکالیف توأمان است که برای حصول و اجرای آنها می‌تواند فردی یا دسته‌جمعی اقدام نماید. این حقوق از سوی خداوند برای انسان تعیین شده است و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از انسان جدا نماید. سخنران با استناد به نظرات ابوالاعلی مودودی و اسماعیل الفاروقی، چارچوب حقوق اسلامی را تبیین نموده، به حق حیات، حق برخورداری از زندگی مناسب، حق برخورداری از عدالت و حق آزادی

اشاره کرد. همچنین وی با اشاره به کتاب «اسلام و حقوق بشر» نوشته محمد فضل الله خان در سال ۱۹۶۷، گفت اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر و موازین اسلامی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند، هر دوی آنها نسبت به رفاه انسان، سعادت و خوشبختی او اشتراک نظر دارند؛ کما اینکه این تشابهات در سند اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۸۰)، اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰) و منشور عرب درباره حقوق بشر (۱۹۹۴) منعکس شده‌اند.

در ادامه، مقاله با اشاره به واقعیت‌های موجود در جهان اسلام در زمینه عدم رعایت حقوق بشر، اعلام می‌کند چنانچه مسلمانان نسبت به وضعیت حقوق خود توجه نمایند و آنها را طبق موازین اسلامی رعایت نمایند، همچنان در وضعیت نامناسبی قرار خواهند داشت. این مشکل ریشه در موازین اسلامی ندارد. بلکه در عملکرد دولت‌های اسلامی باید تجدیدنظر شود. لازمه این امر نیز همکاری، ایجاد اعتماد و روابط مثبت بین جوامع اسلامی است.

سخنران بعدی آقای پروفیسور عبدالله سعید از دانشگاه ملبورن استرالیا بود که مقاله خود را با عنوان: «ماده هجدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر و لزوم بازاندیشی مسلمانان نسبت به مفهوم آزادی دین» ارائه نمود. اهداف مقاله عبارت بودند از: ارائه استدلال مناسبی توسط مسلمانان امروزی در راستای توجیه ماده هجدهم و آزادی مذهبی؛ بررسی چگونگی تدوین مفهوم ارتداد در اوایل اسلام؛ بررسی چالش‌های فراروی بازاندیشی موضوع ارتداد و ارائه پیشنهاد در زمینه تفسیر [آیات و احادیث] به منظور رفع مشکل. وی در ادامه اظهار داشت که موضوع تغییر دین به یک مشکل برای برخی از مسلمانان تبدیل شده و این امر در جوامع مذهبی متکثر بیشتر نمود پیدا می‌کند. به منظور رسیدگی به این مسئله، مناظره‌ای بین حقوق‌دانان سنت‌گرا، متدینین، اسلام‌گرایان سیاسی، مسلمانان سکولار و مجتهدین وجود دارد.

به طور کلی ماده هجدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر دو نوع آزادی را مطرح می‌کند: (۱) آزادی داشتن یا تغییر دین یا اعتقاد؛ (۲) آزادی اظهار دین و اعتقاد. این ماده هیچ‌گونه محدودیتی را قائل نمی‌شود. به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان کلاسیک مسلمان، هیچ مسلمانی حق تغییر دین خود را نداشته و در صورت تغییر اسلام، محکوم به مرگ خواهد شد. از نظر تنوریک، دیدگاه غالب در جهان اسلام، همان دیدگاه حقوق کلاسیک اسلامی است و شخص مرتد محکوم به مرگ می‌گردد؛ لیکن از نظر عملی، از این مسئله در بسیاری از کشورها چشم‌پوشی می‌شود و صرفاً به‌عنوان یک گناه تلقی می‌گردد. البته در تعداد بسیار کمی نیز حکم اعدام صادر می‌شود. عبدالله سعید سپس

به انتقادات مطرح شده به دیدگاه حقوق کلاسیک اسلامی در باب ارتداد پرداخت.

سخنران سوم، حسین مهرپور، استاد دانشگاه شهید بهشتی (ایران) بود که مقاله خود را با عنوان «نگاه کلی به مفاهیم حقوق بشری و دیدگاه دینی» ارائه نمود.

مهرپور در مقاله خود پس از اشاره به جایگاه بشر در ادیان الهی و نقش ادیان، به ویژه اسلام، در محترم شمردن انسان، مفاهیم «آزادی از بردگی»، «آزادی سیاسی و اجتماعی»، «آزادی مذهبی» و «عدم تبعیض مذهبی» را براساس تعالیم اسلامی (قرآن و سنت پیامبر) مورد بررسی قرار داد. مقاله ایشان ابتدا با اشاره به اسناد بین‌المللی ممنوعیت بردگی از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع بردگی (۱۹۲۶) به بررسی مفهوم برده و بردگی می‌پردازد. در ادامه به تشریح این مفهوم در اوایل ظهور اسلام پرداخته و دیدگاه اسلام را در فرآیند تدریجی ممنوعیت بردگی تبیین می‌نماید. به باور مهرپور، اگر چه اسلام بردگی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی در آن زمان پذیرفت، لیکن همواره مسلمانان را تشویق می‌نمود که برده‌ها را آزاد نمایند؛ همچنین مقرراتی را در راستای آزادی برده‌ها وضع می‌نمود.

درخصوص آزادی سیاسی و اجتماعی، اسلام بر این نظر است که خداوند متعال همواره انسان‌ها را به مشارکت در امور زندگی‌شان امر می‌نماید. در رویه و سنت پیامبر گرامی اسلام و همچنین رویه خلفای راشدین نیز شاهد آن هستیم که مسلمانان به ارائه نظر و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی تشویق می‌شدند.

درباره آزادی مذهبی، با استناد به آیات قرآن، استنباط می‌شود که اسلام هرگز در پذیرش دین اجبار و اکراهی را تجویز نمی‌نماید. این مسئله را در شأن نزول آیه «لا اکراه فی الدین» شاهد هستیم. در خصوص حکم ارتداد نیز در حال حاضر مباحث و مناظرات متعددی بین فقهای اسلام وجود دارد. پس از پایان جلسه عمومی، گروه‌های کاری (۱) آزادی فکر، وجدان و مذهب، (۲) دین و مسئولیت دولت به منظور ادامه مباحث جلسه عمومی و تدوین پیشنهادها و توصیه‌های عملی تشکیل گردید.

جلسه عمومی چهارم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: دیدگاه‌های اسلام و حقوق بین‌الملل و نقاط احتمالی مشترک

اولین سخنران جلسه عمومی چهارم، خانم دکتر جمیله ثمود، رئیس سازمان کمک‌های

بشردوستانه مالزی (MERCY) بود که درباره حقوق فرهنگی سخنرانی نمود. وی در ابتدا با ارائه تعریفی از حقوق فرهنگی، به مباحثی چون امور خیریه در اسلام و امور خیریه و مسائل بشردوستانه پرداخت؛ همچنین به منشور حقوق بشردوستانه اشاره نمود.

در پایان گزارشی از فعالیت‌های MERCY ارائه گردید.

دومین سخنران، آقای دکتر محمد هاشم کمالی، رئیس مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (مالزی) بود که مقاله خود را با عنوان «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: دیدگاه اسلامی» ارائه نمود. وی در ابتدای مقاله خود توضیحات مختصری پیرامون میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه نمود و سپس این حقوق را بر اساس دکترین‌های شریعت اسلامی مورد بررسی قرار داد. به نظر کمالی، عدالت و تحقق آن، اولین هدف از اجرای حقوق و تکالیف محسوب می‌گردد و بر اساس آیات قرآنی، عدالت به عنوان یک امانت مشخص شده است. به عبارت دیگر، دولت اسلامی، اقامه عدالت را به عنوان مهم‌ترین وظیفه خود دانسته، با توزیع منصفانه ثروت و فرصت‌های برابر برای همه مسلمانان در راستای تحقق عدالت گام برمی‌دارد. آقای کمالی با اشاره به مفهوم «مصلحت» (نفع عمومی) بر این باور است که این مفهوم در شریعت اسلامی، ارتباط بسیاری نزدیکی با تحقق بخش عمده‌ای از حقوق مصرّح در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد.

در بخش دیگری از مقاله از عرف عمومی به‌عنوان منبع حقوق اسلامی یاد شده است. با عنایت به اینکه عرف بیان‌کننده خواست و اراده مردم در زندگی عادی‌شان می‌باشد و این امر متناسب با شرایط زمانی و مکانی و البته مطابق با اصول کلی اسلام، تغییر می‌یابد، می‌توان گفت که شریعت اسلامی، مطابق با عرف مردم در زمینه روابط اجتماعی، خوراک، پوشاک، انعطاف‌هایی را از خود نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، همه مردم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، می‌توانند از سنت‌های فرهنگی خودشان بهره‌مند گردند، به شرط اینکه مغایر با اصول کلی و اخلاق اسلامی نباشد.

سخنران سوم آقای همایون علیزاده، نماینده دفتر منطقه‌ای کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد (در جنوب شرق آسیا) بود که مقاله خود را با عنوان «رشد اقتصادی و حقوق بشر» ارائه نمود. وی در مقاله خود با استناد به گزارش توسعه انسانی برنامه عمرانی ملل متحد و همچنین گزارش‌های مشابه به بررسی ارتباط توسعه و رشد اقتصادی و تحقق و رعایت حقوق بشر پرداخت. به باور آقای علیزاده، فقر و نابرابری اقتصادی، از طریق رشد اقتصادی همراه با رعایت حقوق بشر

قابل رفع است. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی بدون توجه به حقوق بشر، می‌تواند مشکلات دیگری به وجود آورد که مانع از توسعه جامع انسانی می‌گردد. طبق گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۰۰، توسعه انسانی حقوق بشر، لازم و ملزوم یکدیگرند و تحقق آنها مستلزم توجه به هر دوی آنها می‌باشد. برای این منظور، رعایت حقوق مدنی و سیاسی، تأثیر قابل توجهی در پیشرفت اقتصادی دارد و حمایت حقوقی از تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند ابزار مناسبی را برای امحای نابرابری و فقر موجود در کشورهای در حال توسعه فراهم سازد. آرای قضایی و رفتار مؤثر سیستم قضایی کشورها نیز می‌تواند نقش بسزایی در فرآیند رشد اقتصادی ایفا نماید. تقویت سازمان‌های جامعه مدنی نیز از جمله عوامل مؤثر در این روند می‌باشد. پس از پایان جلسه عمومی چهارم، گروه‌های کاری «حق توسعه» و «نسل سوم حقوق» به منظور بررسی بیشتر در زمینه تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برگزار گردید.

جلسه عمومی پنجم: حقوق بشر زنان و کودکان

اولین سخنران جلسه عمومی پنجم، خانم دکتر الیزابت میر (Ann Elizabeth Mayer) از دانشگاه پنسیلوانیا (آمریکا) بود که مقاله خود را با عنوان «اسلام در زمینه سیاست‌های متنازع در خصوص حقوق زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا» ارائه نمود. وی در مقاله خود به بررسی دیدگاه‌های کشورهای عربستان سعودی، ایران و مراکش در زمینه کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک پرداخت و نقطه‌نظرات مطرح در جوامع اسلامی را بررسی نمود. در حالی که دولت ایران با استناد به احکام اسلامی، از تصویب کنوانسیون خودداری نمود، دولت افغانستان بدون هیچ تحفظی، کنوانسیون زنان را تصویب کرد. از طرف دیگر، شاهد آن هستیم که دولت‌های مسلمانی چون مراکش و عربستان با در نظر گرفتن تحفظاتی سند مزبور را تصویب و اجرا نموده‌اند. این امر نشانگر این نکته است که تفسیر و قرائت خاصی از شریعت اسلامی در هر کشور مسلمان مدنظر قرار می‌گیرد.

سخنران بعدی، خانم سعود بنت محمد از وزارت امور حقوقی عمان بود که مقاله خود را با عنوان «حقوق زنان و کودکان در اسلام» ارائه نمود. وی در خصوص حقوق زنان در اسلام گفت: می‌توان حقوق زن در اسلام را از چهار جنبه مورد بررسی قرار داد: (۱) جنبه معنوی انسان: زن مسلمان یک شخصیت مستقل از مرد داشته و از لحاظ وظایف دینی با مرد برابر است. از نظر

اسلام، زن و مرد، هر دو از نفس قدسی خداوند و کرامت ذاتی برخوردارند. تنها عامل برتری تقوا می‌باشد. (۲) جنبه اقتصادی: از نظر اسلام زن مسلمان حق مالکیت نسبت به اموال خود را داشته و از امنیت مالی و اقتصادی برخوردار است. همچنین وی می‌تواند از فرصت‌های شغلی برخوردار شود و برای امرار معاش خود و کسب روزی حلال شغلی را برای خود برگزیند. (۳) جنبه اجتماعی: زن مسلمان از حق حیات و حق آموزش برخوردار است؛ همچنین از حق ازدواج و طلاق بهره‌مند است و به عنوان مادر از جایگاه والایی برخوردار است. (۴) جنبه حقوقی و سیاسی: زن و مرد در برابر قانون یکسان هستند، البته در خصوص مسئله شهادت زن باید اذعان داشت که صرفاً یک آیه در قرآن در این زمینه وجود دارد، لذا بطور کلی می‌توان براساس آیات ۶ تا ۹ سوره نور، نوعی برابری میان زن و مرد را در شهادت قائل شد.

سخنران سوم، خانم پروفیسور **صالحه کامالدین** از دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی بود که مقاله خود را با عنوان «به سوی هماهنگ‌سازی حقوق بین‌المللی بشر زنان در مالزی» ارائه نمود. وی در مقاله خود پس از اشاره کلی به کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان، به بررسی وضعیت زنان در جامعه مالزی می‌پردازد. وی با تبیین و تشریح مجموعه تحفظات دولت مالزی بر کنوانسیون مزبور، به بررسی اقدامات دولت مالزی در راستای اجرای کنوانسیون، از جمله هماهنگ‌سازی قوانین ملی با مفاد کنوانسیون مبادرت ورزید.

در پایان مجموعه‌ای از توصیه‌ها به دولت مالزی ارائه شد که عبارت‌اند از: اجرای قانون پارلمان در خصوص کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان؛ بررسی مجدد تحفظات دولت مالزی نسبت به کنوانسیون زنان؛ لزوم تسریع فرآیند هماهنگ‌سازی حقوق اسلامی دولت مالزی با کنوانسیون؛ لزوم جمع‌آوری اطلاعات مربوط به زنان مالزی و همکاری مؤثر با نهادهای مربوط برای مشورت و رایزنی. پس از خاتمه جلسه عمومی پنجم، گروه‌های کاری: «خشونت علیه زنان و کودکان»، «بهداشت جنسی»، «حق برخورداری از هویت فرهنگی برای کودکان» و «برابری زنان» به منظور ادامه مباحث و تدوین توصیه‌ها و پیشنهادها برگزار شد.

جلسه عمومی ششم: اسلام و مبارزه با تروریسم

اولین سخنران این جلسه آقای پروفیسور **امین صیقل**، رئیس مرکز مطالعات عرب و اسلام دانشگاه ملی استرالیا بود که مقاله خود را تحت عنوان «اسلام تندگرا و مبارزه علیه ترور» ارائه

نمود. وی سه موضوع ماهیت اسلام رادیکال و نیروهای سیاسی حامی آن، توفیق‌ها و شکست‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم و بررسی دیدگاه‌ها و تعاملات اسلام تندرو و جناح منادی مبارزه با تروریسم را مورد بحث و مذاقه قرار داد. به زعم آقای امین صیقل، هر دو گروه در ارائه نظارت و انجام اعمال خود دچار تندروی شده‌اند و در نتیجه، پدیده تروریسم گسترش یافته است. القاعده به عنوان سمبل فعلی اسلام رادیکال و آمریکا به عنوان مهم‌ترین کشور منادی مبارزه با تروریسم، هر یک به نحوی از انحا، آتش تروریسم را شعله‌ور کرده‌اند.

سخنران بعدی آقای موس بین حاج حسن، معاون بازرسی کل پلیس مالزی بود که ضمن ارائه تعریفی از تروریسم به بررسی تجربیات و فعالیت‌های مالزی در زمینه مبارزه با تروریسم پرداخت. وی در ارائه تعریفی از تروریسم به قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت اشاره نمود و اذعان داشت که مشکلات زیادی در این زمینه وجود دارد، لیکن می‌توان براساس قطعنامه یادشده و همچنین دیگر قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به یک تعریف تقریباً اجمالی نائل شد. وی گفت: دولت مالزی در سال ۱۹۶۰ در قانون امنیت داخلی، اعمال تروریستی را تعریف نمود و آنها را جرم‌انگاری نمود. طبق این قانون، به کارگیری سلاح گرم یا منفجره به منظور به خطر انداختن امنیت عمومی و نظم جامعه و عدم تبعیت از قانون «عمل تروریستی» محسوب می‌شود. طبق قانون یادشده دولت مالزی موظف است اقدامات پیشگیری و عملیات سرکوب تروریسم را برنامه‌ریزی و اجرا نماید.

آخرین سخنران این بخش آقای دکتر سلیمان عبدالله الخیر، استاد فقه تطبیقی در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود (عربستان سعودی) بود. وی در خصوص ابعاد حقوق بشری حمایت از قربانیان جنگ در فقه اسلامی سخنرانی نمود. وی در مقاله خود، مفهوم حمایت و انواع آن، تعاریف جنگ، مبارزه و جهاد، موضع جهاد اسلامی در قبال تروریسم و فساد، مفهوم قربانیان جنگ و طبقه‌بندی آن، حمایت از قربانیان جنگ را مورد بررسی قرار داده است.

وی براین اعتقاد است که اسلام و موازین آن، انطباق کامل با مجموعه موازین حقوق بشردوستانه فعلی داشته و در برخی از موارد به مراتب پیشرفته‌تر و کامل‌تر از نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه مصرح در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو می‌باشد.

پس از پایان سخنرانی‌های جلسه عمومی ششم گروه‌های کاری «آزادی‌های شخصی در فرآیند مبارزه با تروریسم» و «حمایت از حقوق اساسی: بررسی علل تروریسم» به منظور بررسی

گزارشی از نشست کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر در اسلام ۱۰

بیشتر موضوع تروریسم و حقوق بشر برگزار شد.

جلسه اختتامیه و جمع بندی

در مراسم اختتامیه، در ابتدا دادستان مالزی گزارشی از مباحث مطروحه در جلسات عمومی و گروه‌های کاری ارائه کرد و متذکر شد که مجموعه توصیه‌ها و پیشنهادهای هماهنگی دبیرخانه سازمان حقوقی و مشورتی آسیا و آفریقا تنظیم و تدوین خواهند شد و در اجلاس چهل و ششم آکو به اطلاع کلیه اعضای سازمان خواهد رسید.

سپس دبیرکل آکو برگزاری «نشست کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر در اسلام» را به عنوان یکی از توفیقات آکو در سال ۲۰۰۶ برشمرد.